

شنبه‌های چالشی صبا:
تریبونی آزاد برای اهالی فرهنگ و هنر

مخاطبان امروز تئاتر چه کسانی هستند؟

این روزها خبرهایی از سالن‌های تئاتر منتشر می‌شوند، گواه بر اینکه چندین نمایش برای بارهای دوم، سوم و یا حتی چهارم تمدید می‌شوند، نمایش‌هایی که هر شب دو اجرایی شده و بدون هیچ صندلی خالی به صحنه می‌روند. این اتفاق در تئاتر که در طول سال‌های کرونا و شرایط التهابی جامعه، در ست زمانی که غبار سکون و بی‌مهری روزگار، چهره‌ای گرفته و غمبار بر صورت تک تئاتر نشانده بود، بسیار نوید بخش است. نویدی که در بطن خود نگرانی‌های از این دست را به همراه دارد که نکنند این نمایش‌ها عاری از مولفه‌های واقعی تئاتر باشند و مخاطبان علاقه‌مند به هنر نمایش را پس از مدتی دلسرد کنند؟ و یا اینکه این مسیر صعودی از افزایش مخاطب در تئاتر مقطعی و با مناسباتی خاص است که ممکن است پس از مدتی فروکش نماید؟ برای درک بهتر از ابعاد این مسئله روزنامه صبا در چالش این هفته خود با نگاهی دقیق به مخاطبانی که در سالن‌های تئاتر حضور پیدا می‌کنند با طرح این پرسش کلیدی که مخاطبان امروز تئاتر چه کسانی هستند و برای اینکه حلقه تماشاگران این هنر نمایشی هم‌گستر شده و دیدن تئاتر در سید کالای فرهنگی مردم قرار بگیرد، چه باید کرد؟ به سراغ مسئولان و هنرمندان این حوزه رفته است. با شنبه‌های چالشی این هفته همراه ما باشید و اگر نقطه نظری درباره چالش این هفته دارید در فضای مجاز روزنامه صبا می‌توانید به اشتراک بگذارید.

سمیه خاتون

گفت و گو



بسیار مبارکی است. به شرطی که برخی از هنرمندان و اهالی تئاتر دست از حاشیه پراکنی بردارند و با موضوعاتی چون کار کردن و یا کار نکردن تئاتر و بودن یا نبودن مسئله را سخت نکنند. به نظرم دیگر زمان آن رسیده که در یک فضای دموکراسی، به صورت مسالمت‌آمیز کنار هم باشیم. یعنی هر که دوست دارد تئاتر کار کند و هر که دوست ندارد، کار نکند. هیچ کس اجازه ندارد دیگری را به خاطر عقیده و شیوه‌ای که اتخاذ کرده، مواخذه کند. مورد دیگر اینکه درست است در این روزها شاهد نمایش‌هایی هستیم که سولداوت می‌شوند، اما باید توجه داشت که تعداد اجراها نسبت به گذشته بسیار کمتر شده است. ما قبلاً روزانه ۱۲۰ اجرا در سطح تهران داشتیم که حالا این تعداد به ۵۰ الی ۶۰ اجرا تقلیل یافته است. آنچه باعث زنده ماندن و ادامه یافتن هنر تئاتر می‌شود این است که خوشبختانه دوستان هنرمند و فعالان تئاتر متوجه شدند که دیگر در تئاتر آرت به تنهایی مهم نیست، اقتصاد تئاتر هم مهم است. نمایش هم یک محصول کالای فرهنگی است که ما باید آن را ارائه بدهیم، برای ارائه محصول نیاز به تبلیغات است تا بتوانیم آن را بفروشیم. شاید بعضی خرده بگیرند که مگر ما فروشنده‌ایم! باید قاطعانه بگویم که بله ما یک محصول فرهنگی را می‌فروشیم. تئاتر در واقع یک نوع تغذیه است نه تغذیه جسمی بلکه تغذیه‌ای برای روح و روان. انسان غذا می‌خورد تا شکم خود را اسیر کند و تئاتر می‌بیند که روحش تازه و روانش زنده باشد. با همین رویکرد از خاصیت تئاتر خوشبختانه امروزه در جامعه به چشم می‌بینم که یک روانشناس، مسئول بانک، وکیل و... اشاره می‌کنند که تئاتر بین هستند. این اتفاق که در ۲ الی ۳ سال اخیر شاهد آن هستیم و هموطنان مان از مشاغل دیگر وارد فضای تئاتر و عضوی از این خانواده بزرگ فرهنگی شده‌اند بسیار خوب و مبارک است.

که اهل تفکر و اندیشه بودند به دیدن نمایش‌ها می‌نشستند اما حالا دسته دوم نیز اضافه شده است. نمایش‌هایی که امروزه می‌بینیم با ظرفیت پر اجرا می‌روند ترکیبی از این دو دسته از مخاطبان هستند که در حال حاضر در سالن‌ها حضور پیدا کرده‌اند. اما لازم است درباره نمایش‌هایی که سولداوت می‌شوند بررسی دقیق‌تری نیز داشته باشیم. در واقع باید دید که این نمایش‌ها که هر شب با ظرفیت پر اجرا می‌روند در کدام سالن‌ها هستند؟ چرا که بخش بزرگی از این مسئله باز می‌گردد به مدیریت سالن‌ها و نحوه برخورد مدیریت با گروه‌های هنری و مخاطبان نمایش. مثلاً در تئاتر شهر از زمانی که جناب طاهری مدیریت آن را به عهده گرفته‌اند از نظر مخاطب شناسی نسبت به گذشته رشد بسیار چشمگیری داشته است. در این میان پر واضح است که تمهیداتی مانند انتخاب متن‌های درست و نمایشنامه‌هایی به اجرا رفته که مخاطب را با صحنه آشتی داده است. این پدیده که امروزه می‌بینیم سالن اصلی تئاتر شهر با ظرفیت ۱۰۰۰ نفر هر شب در دو سانس تقریباً بدون صندلی خالی، میزبان نمایش «بک تو بک» است، اتفاقی نادر است که پس از انقلاب، برای اولین بار شاهد آن هستیم. بحث من در اینجا این نیست که نمایش «بک تو بک» چگونه نمایشی و یا در چه سطح و کیفیت از اجراست. بحث درباره کیفیت نمایش حتماً در این مقال نمی‌گنجد. در اینجا قرار است صرفاً به آمار تماشاگر بپردازیم که مستقیماً منجر به پویایی اقتصاد در تئاتر می‌شود. چرا که زنده ماندن هنر تئاتر در گرو اقتصاد است. اتفاقی که بطور مثال درباره این نمایش و نمایش‌های دیگر نیز صدق می‌کند. نمایش «چخفته» و «ساپو» زمانی که در نوفل‌لوشاتو اجرا رفتند، بسیار موفق بودند، همین‌طور بعدتر که در مجموعه تئاتر شهر اجرا رفتند، این روند صعودی را حفظ کردند. باید قبول کرد در حال حاضر مخاطب با صحنه نمایش آشتی کرده است و این اتفاق

قطب‌الدین صادقی (مدرس و استاد تئاتر):

نمایش‌های آبرومند انگشت شمار هستند

در این باره نمی‌توان قاطعانه نظر داد شرایط اجتماعی جامعه نرمال نیست، در این شرایط نابسامان مردم آنقدر بی‌برنامه و بی‌سرگرمی و بی‌تفریح شده‌اند که از سر اجبار پای هر محتوایی می‌نشینند، در این شهر با ۱۱ میلیون نفر جمعیت هیچ نوع تفریح و سرگرمی وجود ندارد و مردم به طور کامل در یک خلاء کاملاً بی‌محتوایی به سر می‌برند. بنده در چند وقت اخیر پای چند نمایش نشست‌ام و بیشتر سالن‌ها هنوز خلوت خلوت هستند، اما به نسبت هستند نمایش‌های انگشت شماری که اتفاقاً معتبر و آبرومند در همین شرایط کار می‌کنند و مخاطبان گزیده و خاص خود را نیز دارند. مانند نمایش‌هایی مثل «کابوس‌های آنکه نمی‌میرد» به کارگردانی نادر فلاح و «انسان، اسب، پنجاه-پنجاه» که کاری از مرتضی کاشی بود. به نظر من این دو نمایش محتوای خوبی داشتند، نمایش‌های اجتماعی با رویکرد تفکر برانگیز که می‌توانند در این شرایط کمی امیدبخش باشند.

داوود نامور (مدیر مجموعه تئاتر نوفل‌لوشاتو):

تعداد اجراها بسیار کم شده است

در حال حاضر در تئاتر ما با دو دسته از مخاطبان روبرو هستیم. دسته اول همان گروه‌های دانشجویی و فعالان حوزه عرصه نمایش هستند که از گذشته تا حال مخاطبان تئاتر بوده‌اند و در آینده نیز خواهند بود، دسته دوم عموم مخاطبانی هستند که علاقه‌مند به هنر بوده و امروزه شاهدیم پای نمایش‌ها می‌نشینند. با این وصف باید بپذیریم که تماشاگران تئاتر تغییر کرده و دیگر مانند گذشته نیستند. زمانی بود که همان دسته اول مخاطبان تئاتر یعنی کسانی